

**دولت، سبب اقوی از مباشر در وقوع جرم یقه‌آبی‌ها از منظر نهج‌البلاغه
و سیاست جنایی اسلام**

محمد رسول آهنگران* / اسماعیل هنری قانع** / میلاد حیدری***
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

چکیده

علل وقوع جرم می‌تواند ناشی از تصمیمات دولت‌ها باشد. عوامل اقتصادی مانند بیکاری، فقر، تورم، گسترش شهرنشینی و تضعیف فرهنگ‌های اصیل، استضعاف علمی و سیاسی توده‌ی مردم، عدم بهره‌گیری از شیوه‌های پیشگیری جامعه‌ی، نابرابری اجتماعی، عدم تقویت آماج جرم و رفتارهای حاکمان که منجر به ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به حاکمیت و مقررات دولتی می‌شود، از مهمترین عوامل جرم‌زا است که دولت در مقام سبب این رفتارهای مجرمانه جای می‌گیرد. یقه‌آبی‌ها خود به عنوان قربانیان مضاعف جرایم توده‌ای، مشمول کیفیات مخففه و عفو قرار نمی‌گیرند و حتی به جهت اقتناع افکار عمومی، محاکمه‌ی این گروه با رویکرد قانون-مندی کامل اجرا می‌شود. این در حالی است که دولت باید با در نظر گرفتن شرایطی که منجر به ارتکاب این جرایم شده است، با لحاظ تمام دلایل وقوع جرم، محاکمه و کیفرگزینی نماید. هدف اصلی از این پژوهش، اخطار به دستگاه قضائی و ساز و کارهای اجرای عدالت و نظم اجتماعی برای بهبود وضعیت اخلاقی و فرهنگی جامعه ایست که نمی‌توان فقط تابعان آن را مسئول دانست و مجازات کرد چنانکه در دیدگاه‌های نهج‌البلاغه صرفاً به تکالیف مردم پرداخته نشده است و برای حاکمان نیز متقابلاً تکالیفی است که برای آن‌ها مسئولیت‌هایی را ایجاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

پیشگیری از جرم، مجرمین یقه‌آبی، جرایم خیابانی، کیفرزدایی.

*. استاد گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران. قم: ایران.
**. دانشجوی دکتری حقوق جزا جرم شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. قم، ایران.
***. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
ahangaran@ut.ac.ir
asmaylhnry3@gmail.com
Mheidari4700@gmail.com

مقدمه

حاکمیت‌ها با توجه به مدل‌های مختلفی که برای آن‌ها متصور است، دارای کارکردهای خاصی علاوه بر اداره‌ی کشور و امور عمومی هستند. نقش حکومت‌ها در رخدادهای تعالی بخش و ضایع‌کننده در جامعه، گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم است. سیاست‌های کلان دولت‌ها، قوانین مدون و غیرمدون، اعمال اجرائی و به طور کلی هر گونه عمل و عکس‌العمل حکومت می‌تواند به مثابه عامل محرکه‌ای برای رفتار اعضای جامعه محسوب شود. از منظر سیاست جنائی اسلام، حاکمیت نقش مهمی در پیشگیری از جرایم توده‌ی مردم دارد همچنانکه گفته‌اند مردم به دین حاکمان خود هستند و این پیروی می‌تواند در این مسیر نیز قابل پیش بینی باشد.

دلایل ارتکاب جرم توسط مجرمانی که از آن‌ها به یقه‌آبی‌ها یاد می‌شود، محدود به شخصیت، خانواده، مدرسه و .. نیست، حتی اگر محدود به این عوامل باشد، نقش دولت در شکل‌گیری صحیح و اصلاح این گروه‌ها می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. شهروندان عادی در راستای جبران زیان وارده به خود و احقاق حقوق مکتسبه‌ی خویش اقدام به رفتارهایی جرم‌انگاری شده می‌نمایند. از سوی دیگر به جهت مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده، عموم جامعه، در اندیشه‌ی تقلب نسبت به قانون برآمده و در جایگاه مجرم قرار می‌گیرند. در این پژوهش به دنبال یافتن نقش دولت به عنوان یکی از عوامل جرم‌زا در ارتباط با یقه‌آبی‌ها هستیم. به نحوی که بتوان بر این مبنا، میزان مسئولیت دولت را مشخص کرد و حتی در مواردی، دولت را د مقام سبب اقوی از مباشر جرم، مسئول دانست و موضوع اعمال مجازات را تغییر داد. در این مسیر دیدگاه‌های اثر ارزشمند نهج البلاغه می‌تواند بسیار ارزشمند و راهگشا بوده و محدوده‌ها را تعیین نماید.

پیشینه پژوهش:

پیرامون نقش دولت در ارتکاب جرایم توسط افراد جامعه (دولت در مقام سبب و افراد جامعه در مقام مباشر) پژوهش تخصصی دیده نمی‌شود؛ عموماً به جرم دولتی پرداخته شده است که متفاوت از پژوهش ما است و یا اینکه به نقش دولت در پیشگیری از جرم اشاره شده است.

سید علی‌هنجری در مقاله‌ی پیرامون امکان ارتکاب جرم از سوی دولت و مسئولیت کیفری او، به جرم دولتی یا دولت در مقام مباشر جرم اشاره می‌کند. در پژوهش حاضر به دنبال تعیین مسئول ارتکاب جرم با اصول حقوق جزای عمومی نیستیم، هدف بررسی جرم‌شناسی و



علت‌شناسی مجرمانه از رفتار یقه‌آبی‌هایی است که به جهت اعمال غیرمجرمانه‌ی دولتی و بی‌تدبیری در امور حاکمیتی هستیم که منجر به این گونه از جرایم به شکل عمده می‌گردد.

سمیرا گل خندان و محمدعلی حاجی ده‌آبادی در مقاله‌ی بررسی جرم شناختی عوامل داخلی موثر بر ارتکاب جرایم علیه بشریت به نقش دولت در مقام مباشر (فاعل)، فراهم کننده‌ی بستر جرم به صورت ترویج هویت تکواری، ترویج هویت محرک و نقش علی (سبب) دولت که گاه مستقیم و گاه غیر مستقیم سبب جنایت علیه بشریت است اشاره شده است. با این حال در پژوهش ما هدف این است که دیدگاه‌های سیاست جنائی اسلام و بخصوص مبانی فکری نهج البلاغه نیز به کمک طلبیده شود.

نوآوری پژوهش:

عموم افراد جامعه که در اثر رفتارهای دولت، امکان ارتکاب اعمال مجرمانه را دارند، تبدیل به مجرمان یقه آبی می‌شوند که باید مجازات‌های قانونی را تحمل کنند و حال آنکه تحمیل مسئولیت کیفری تام به این افراد، در تضاد با مفهوم عدالت است. ما در این پژوهش قصد داریم به این سوالات مهم پاسخ دهیم که نقش دولت در مقام سبب در ارتکاب جرایم توسط یقه‌آبی‌ها تا چه اندازه است؟ همچنین باید به این سوال پاسخ داده شود که با در نظر گرفتن نقش دولت و حاکمیت در ارتکاب این جرایم، شیوه‌ی اعمال کیفرهای قانونی چگونه خواهد بود؟ چگونه می‌توان در این مجازات‌ها تجدیدنظر کرد؟ و به طور خلاصه به آسیب‌شناسی مجازات مجرمان یقه آبی به جهت تاثیر رفتار حکومت‌ها در ارتکاب جرایم آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. مفاهیم

دسته‌بندی جرم‌شناسان از مجرمین به یقه‌سفیدها و یقه چرکین (یقه آبی‌ها) و حتی یقه سرخ‌ها به جهت میزان دسترسی این اشخاص به امکانات و موقعیت اجتماعی خاص آنان و چگونگی فرار از محاکمه است. نوع جرایم این گروه‌ها نیز با هم متفاوت است و شیوه‌ی پاسخ‌دهی نیز لاجرم باید افتراقی باشد. در این بخش به تعریف این مفاهیم در کنار مفهوم دولت و حاکمیت و مسئولیت کیفری خواهیم پرداخت.



۱/۱. مجرمان یقه آبی

مجرمان یقه آبی^۱ یا یقه چرکین در مقابل یقه سفیدها^۲ قرار می‌گیرند. کسانی‌اند که علاوه بر فقر فکری و فرهنگی، دچار فقر مالی و اقتصادی شدید نیز هستند و به همین دلیل گاهی مرتکب جرم می‌شوند. این دسته بسیار راحت‌تر از دیگر گروه‌های اجتماعی برچسب مجرمانه می‌خورند. بسیاری از مطالعات انجام شده درباره جرم و پیشگیری، به عواملی مانند فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مشکل مسکن، اعتیاد و مانند اینها اشاره دارد (میرخلیلی، ۱۳۹۵، ۸). در برخی از آثار جرم‌شناسی از مجرمین یقه قرمز نیز یاد شده است (میرخلیلی و خدادوست، ۱۳۹۶، ۱۳۷). این مجرمین در حقیقت همان مجرمین یقه سفید هستند که در راستای اخفای جرم خویش اقدام به اعما مجرمانه‌ی ثانویه می‌نمایند که البته خارج از بحث یقه‌آبی‌ها محسوب هستند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: مردم به طبقاتی تقسیم می‌شوند که امور بعضی از آنها جز به وسیله بعضی دیگر اصلاح نمی‌شود و بعضی از آنها از بعضی دیگر بی‌نیاز نیستند و آنان عبارت‌اند از: سپاهیان (نیروهای نظامی) نویسندگان عمومی و خصوصی (کارمندان) قضات عادل، کارگزاران نظام، اقلیت‌های مذهبی، تجار، صنعت‌گران و طبقات فقیر و ضعیف جامعه (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ق، ص ۴۲۹). چنانچه در این تعابیر ملاحظه می‌شود، طبقات اجتماعی از منظر امام علی علیه السلام نیز بر مبنای برخی صفات مانند تمکن مالی، میزان سواد و مقام و منصب و شغل قابل دسته‌بندی است. طبقات عامه‌ی مردم که جدای از حاکمان، ثروتمندان و عالمان قرار می‌گیرند، یقه‌آبی‌ها یا یقه چرکین تلقی می‌شوند.

۱/۲. مفهوم دولت به عنوان سبب اقوی از مباشر در جرایم یقه آبی‌ها

منظور از اصطلاح دولت، جامعه سیاسی و متشکلی است که در آن، هم قدرت سیاسی و هم سرزمین و هم جمعیت یافته می‌شود و شامل قوه‌ای حاکم بر کشور اعم از قوه مقننه، مجریه و قضائیه می‌شود. (آشوری، ۱۳۸۹، ۳۹۹) در خصوص مسئولیت کیفری دولت گفته شده است: «

1 - Blue-Collar Criminal

2 - White-Collar Criminals

۳ - اولین اندیشمند مبدع این عنوان ادوین ساترلند بود. این گره در اندیشه‌ی امام علی علیه السلام با عنوان «بطانه» مترادف خاصه تعبیر شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۴۹) جرایم اقتصادی مانند کلاهبرداری، نقض قوانین کار، تخریب محیط زیست، به خطر انداختن بهداشت و سلامت عمومی جامعه و مانند آنها از سویی و جرایم حکومتی مانند سوء استفاده از بودجه عمومی، فساد، رشوه خواری و مانند آن از سوی دیگر از عمده جرایم صاحبان قدرت، بورژواها یا به تعبیر ساترلند، یقه سفیدها به شمار می‌رود. (میرخلیلی، ۱۳۹۵، ۱۷)



انحراف سازمان‌یافته دولت که متضمن نقض حقوق بشر است» (Haveman & Smeulers, 22, 2008). در این پژوهش منظور ما از دولت به عنوان سبب اقوی از مباشر، مسئولیت کیفری قانونی دولت نیست بلکه نقش دولت در وقوع جرایم، از جنبه‌ی علت‌شناسی و مقوله‌ی جرم‌شناسی مدنظر است.

توده‌های عظیم مردم دچار مشکلات و فشارهای گسترده اجتماعی و اقتصادی اند. در بروز این مشکلات و فشارهای وارده بر آنان حاکمیت و سیاست‌های حاکم بر جامعه بیشترین سهم را دارد. این امر که همه تقصیر را به گردن مرتکب انداخته، حاکمیت همه تقصیرهای خود را ورای آن پنهان کند، مورد تأیید سیاست جنایی اسلام نیست؛ بنابراین در برخورد با یقه‌آبی‌ها که از سویی خود قربانیان جرایم یقه‌سفیدی به ویژه حاکمیتی‌اند، با چنین رویکردی سیاست‌گذاری می‌شود (میرخیلی، ۱۳۹۵، ۳۳). امام علی علیه السلام در ارتباط با جایگاه حاکمیت و نقش افعال این نهاد عمومی و الهی و انگیزه‌ی رفتارهای آن بیان داشته است که: خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری‌ها برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱). از نگاه، حضرت علی علیه السلام سیاست و ساختار حکومت تنها از نظر اداره‌ی امور اقتصادی مطرح و مهم نیست بلکه نقش مهم حکومت در شکل‌گیری اخلاق در اجتماع است. به همین دلیل می‌توان گفت که دولت نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه‌ی یقه‌سفیدی دارد و حتی در شکل‌گیری تفکر مجرمانه و گسترش رفتارهای زیانبار به طور مستقیم دخیل است تا جایی که در برخی آرای کیفری^۱ دولت را در مقام سبب اقوی از مباشر تلقی کرده‌اند.

۱ - این رای که در شعبه‌ی چهارم دادگاه عمومی بخش چهارباغ صادر شده است و با عنوان اتهامی اخلال در نظم و آسایش عمومی شروع جریان رسیدگی شروع شده است در مورخه‌ی ۱۳۹۸/۹/۱۷ صادر شده است. رای دادگاه به این صورت است: «در رابطه با اعلام جرم پلیس امنیت و اطلاعات شهرستان ساوجبلاغ علیه آقای ... به اتهام اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق راه‌بندی در جاده قزلحصار مورخه ۲۵ آبان ۱۳۹۸ توسط دو خودرو تریلی به رانندگی متهمان یا عنایت به محتویات پرونده و اظهارات متهمان و تحقیقات به عمل آمده باید اظهار داشت که هر دو متهم راننده ماشین سنگین بوده و هنگام عبور از جاده در پشت جمعیت معترضی که ماشین‌های خود را در وسط خیابان در اعتراض به افزایش قیمت غیر معقول و خارق‌العاده و ناگهانی بنزین پارک کرده بودند متوقف شده‌اند. صرف نظر از دفاعیات ایشان که بیان داشته‌اند ناخواسته در ترافیک مانده بودین و به علت طول زیاد تریلی قادر به دور زدن نبودیم به نظر می‌رسد همدلی آنان با جمعیت حاضر و هم‌نوایی با خودروهای خاموش شده در جاده موجب توقف طولانی ایشان شده باشد چه اینکه حسب گزارش شفاهی افسر پرونده، ماموران ناجا در همان ساعت ابتدایی با تلفن همراه متهمان تماس حاصل نموده و تذکرات لازم مبنی بر حرکت سریع و خروج از منطقه را به ایشان داده‌اند. به هر





در ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری اصلی بر دوش مباشر است، سبب نیز در مواردی به جهت اقوی بودن از مباشر دارای مسئولیت کیفری است. اقوی بودن سبب از مباشر برگرفته از نهاد «علت مداخله‌گر وابسته»^۱ در حقوق انگلستان است. عامل مداخله‌گر وابسته نیز به نقل از جوشا درسلا^۲، علت مداخله‌گر واکنشی یا بازتابی تعبیر شده است و چنین تعریف شده است: عملی است که در واکنش یا پاسخ (نتیجه) عمل خطای پیشین متهم انجام شده است (طاهری نسب، ۱۳۸۹، ۵۵۴). عامل مداخله‌گر وابسته در مقابل عامل مداخله‌گر مستقل^۳ قرار دارد؛ عامل مداخله‌گر مستقل زنجیره علیت و سببیت بین عمل متهم اولیه و نتیجه را قطع می‌کند و دومی یک عامل مداخله‌گر وابسته است و نمی‌تواند این زنجیره را قطع کند و متهم و مرتکب اولیه همچنان دارای مسئولیت خواهند بود. پس عامل مداخله‌گر مستقل یک عامل کاملاً بی‌ارتباط و بدون وابستگی با سبب یا سبب‌های اولیه است و عامل مداخله‌گر وابسته با سبب یا سبب‌های اولیه مرتبط و وابستگی دارد. اولی قاطع زنجیره علیت است و دومی قاطع زنجیره علیت نیست. عامل مداخله‌گر مستقل سبب جانشین^۴ هم نامیده شده است (امینی و عنایت تبار، ۱۳۹۶، ۴).

در حقوق ایران مبنای مسئولیت سبب را به شکلی دیگر و در قالب تمثیل می‌توان در قانون جای داد و استخراج یک معیار کلی به مانند حقوق انگلستان مقدور نیست. اثبات اینکه دولت به عنوان سبب اقوی از مباشر، دارای مسئولیت کیفری است، بحثی پیچیده، شاذ و شاید به دور از

ترتیب با عنایت به اینکه حسب ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) بزه اتهامی از جرایم مقید به نتیجه محسوب شده و رفتار مجرمانه آن صرفاً از طریق سه فعل انحصاری ۱- هیاهو و جنجال ۲- حرکات غیر متعارف و ۳- تعرض به افراد قابل تحقق است و در مانحن فیه علیرغم تحقق نتیجه (اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی) بر فرض محال (بدیهی است که اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی مردم نتیجه مستقیم بی‌تدبیری دولت در اجرای یک طرح غیرکارشناسی بوده و عرف جامعه ایرانی دولتمردان را مستنول اخلال به وجود آمده می‌داند، چرا که سبب اقوی از مباشر بوده‌اند) ارتکاب رفتار مورد تصریح قانونگذار از سوی متهمان منتفی است زیرا اعتراض غیر مسلحانه به حکمرانی نامطلوب از مولفه‌های اساسی حدود آزادی مصرح در اصل بیست و هفتم قانون اساسی کشورمان بوده و بدیهی است اخلالی به مبانی اسلام نداشته است چه اینکه چند تن از مراجع عظام تقلید در پیامی این اقدام دولت را ناپسند و بر خلاف مصلحت دانستند. لذا رفتار متهمان را با توجه به اوضاع و احوال آن روزها متعارف ارزیابی کرده و منطبق بر نافرمانی مدنی به عنوان روشی خشونت‌پرهیز برای اعتراض به سیاست غلط بنزینی دانسته و نظر به عدم احراز ارتکاب رفتار مجرمانه مدنظر قانونگذار، دادگاه به جهت عدم وقوع بزه با رعایت اصل برائت به استناد اصل سی و هفتم قانون اساسی و ماده چهار قانون آیین دادرسی کیفری حکم برائت صادر و اعلام می‌دارد.»

- 1 - Dependent intervening cause
- 2 - Dressler, Joshua, (2006), Understanding criminal law, Lexis nexis, U.S.A.
- 3 - Dependent intervening cause
- 4 - Superseding Cause

اصول حقوقی و علمی باشد؛ به همین جهت تاکید ما بر علت‌شناسی اعمال زیانبار و مجرمانه‌ی یقه‌آبی‌ها به جهت اقدامات و تصمیمات حکومتی قرار دارد.

از منظر دیگر، نقش دولت در ارتکاب برخی از جرایم، به سه شکل تبیین شده است:

نقش فاعلی: در این صورت نقش دولت در جرایم به صورت مباشرت است. مباشرت می‌تواند توسط سازمانی که دسترسی به قدرت سیاسی دارد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵، ۷). یا نیروهای نظامی صورت پذیرد یا می‌توانند انسان‌هایی را پیدا کنند که در قالب شبه نظامی، انسان‌های دیگر را در شمار گسترده به قتل رسانده، آزار و اذیت و شکنجه کنند (گل خندان و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۸، ۲۰۹).

نقش زمینه‌ای: فراهم آوردن مقدمات و بسترهایی است که در گذر زمان و در پیوند با وقایع دیگر منجر به ارتکاب برخی جرایم می‌شود (گل خندان و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۸، ۲۱۲). این نقش از طریق ترویج هویت تک‌واره^۱، تبعیض^۲ و ترویج ایدئولوژی محرک^۳ صورت می‌گیرد.

نقش علی: نقش علی در واقع چیزی بیش از نقش زمینه‌ای است و همان سبب بودن را مطرح می‌کند؛ که می‌تواند مستقیم (تجهیز و حمایت از مرتکبین) یا غیرمستقیم (سکوت و عدم واکنش) باشد.

۲. بررسی نقش دولت در میان سایر عوامل بزهکاری مجرمان یقه آبی

بر اساس پارادایم تفسیری، جرم خطری است که در اثر تعاملات اجتماعی و نه علل زیستی روان اجتماعی پدید آمده است و باید آن را به عنوان خطر برشمرد و آن را از جامعه دور ساخت (فدایی و دیگران، ۱۳۹۹، ۲۳۷). برای دور ساختن این پدیده از جامعه، نیاز به اصلاح اجتماعی و در درجه‌ی اول اصلاح عملکردهای حکومت است. به همین دلیل لازم است نقش دولت در میان سایر عوامل بزهکاری مشخص گردد تا بر این مبنا بتوان راهکارهایی ارائه داد. سیاست جنایی اسلام تاکید بر پیشگیری و در مرحله‌ی بعدی اصلاح و بازسازی از طریق ابزارهای مشارکتی دارد. دولت از منظر اسلام زمانی مسبب وقوع جرایم است که نتواند به تکالیف خود عمل کند یا ابزارهای کارآمدی را در این حوزه مورد استفاده قرار ندهد.

۱ - Singular Identity: در این شیوه، فرد تنها بر اساس یک هویت ستیزه جو و نفرت زا دسته بندی می‌شود و این دو خصوصیت، او را به سمت ارتکاب جرایم خیابانی و خشن سوق می‌دهد.

۲ - Discrimination: تبعیض سبب درگیری بین گروه برخوردار و غیربرخوردار شده است.

3 - Instigator Ideology

۲/۱. خلاء شایسته سالاری در انتصاب مدیران

در نظام شایسته سالاری، رسیدن به هدف توسط توده‌ی مردم، از طریق قانونی و بر مبنای شایستگی میسر است؛ دولتی که از این راهبرد استفاده نمی‌کند باید منتظر وقوع دو نتیجه باشد:

۱- ارتکاب اعمال مجرمانه توسط توده‌ی مردم برای رسیدن به جایگاه بالاتر مانند گرفتن رشوه یا استفاده از رانت؛ ۲- تصمیمات نادرست توسط مدیران و مسئولان که در نهایت به وقوع رفتارهایی منحرفانه و مجرمانه است.

امام علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و با حیا از خاندان پاکیزه و بانقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرامی تر و آبرویشان محفوظ تر و طمع ورزی شان کمتر و آینده نگری آنان بیشتر است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) همچنین ایشان در گزینش قضات تاکید فراوان بر انتخاب بر معیارهای دادرسی عادلانه و گزینش قضات با درایت دارند^۱. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هدف بعثت خود را این گونه بیان می‌دارد: همانا من مبعوث شدم تا به اتمام و اکمال مکارم و ارزش‌های اخلاقی بپردازم^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۸: ۳۸۲). اینگونه کارگزاران مطمئناً در مقابله با آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرایم توده‌ای می‌توانند با تدبیر مناسب‌تری اقدام نمایند. سیاست جنائی اسلام، اتکای بر تعقل و مدیریت را ابزاری مفید برای اصلاح جامعه می‌داند، مدیریتی که مبتنی بر اخلاق باشد، مطمئناً نمی‌تواند مسبب جرایم و بی‌اخلاقی قرار گیرد.

نقطه‌ی مقابل شایسته‌سالاری در کلام امام علی علیه السلام اینگونه تعبیر شده است: امیرالمؤمنین علی علیه السلام جامعه جاهلی را با این ویژگی توصیف می‌کند که عالم آن دم از گفتن فرو بسته، و جاهلان به عزت نشسته‌اند^۳ (نهج البلاغه، خطبه ۲). شایسته‌سالاری، موضوعی است که نشأت گرفته از ایدئولوژی اسلام است که قرآن و دین اسلام به کرات سفارش و تأکید به آن (تعیین افراد صالح و شایسته برای پست‌های متعدد) نموده است (اسماعیلی و کریمی، ۸۷، ۱۳۸۹). چنانکه در آیه‌ی ۱۰۵

۱ - از میان مردم، برترین فرد را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یک دیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند ... پس از آشکارشدن حقیقت، در فصل خصومت از همه برنده تر باشد، کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندک‌اند. (مجلسی،

۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۵)

۲ - «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛

۳ - «عالمها ملجم و جاهلها مکرم»

سوره‌ی انبیا، آمده است که: حکومت و سروری بر زمین برای بتدگان صالح و شایسته است. امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: کار مردم جز به شایستگی زمامداران سامان نمی‌یابد (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

برچسب‌زنی مجرمانه توسط مدیران نالایق و تلاش افراد برای رسیدن به موقعیت اجتماعی مناسب با توسل به ابزارهای غیرقانونی و ناعادلانه، از نتایج نبود شایسته سالاری است که خود عامل جرایم توده‌ی مردم در ارتکاب جرایم در این راستا است.

۲/۲. عوامل اقتصادی ناشی از عملکرد دولت

مشکلات و چالش‌های اقتصادی ریشه‌ی بسیاری از رفتارهای منحرفانه‌ی بشری است که برخی از این انحرافات عنوان مجرمانه دارد. دولت و عملکردهای اقتصادی آن، مهمترین عامل این مشکلات است.

امام علی علیه السلام نیز در مورد وظیفه‌ی کارگزاران نسبت به معیشت کارکنان و زیردستان می‌فرماید: رزق و معیشت آنان را تأمین کن که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر بکوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت المال زنند و اتمام حجتی است بر آنان. اگر فرمانت را نپذیرد یا در امانت تو خیانت کنند، از جهت بذل و بخشش آنقدر به او اعطا کن که مشکلتش برطرف و نیازش کم شود (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۳). امام علی علیه السلام نیز بحث تأمین معیشت را در جلوگیری از برخی رفتارهای منحرفانه موثر می‌داند و مسئولیت تأمین معیشت را بر دوش حاکمیت و دولت قرار می‌دهد.

بر اساس تحلیلگری بکر^۱ شرایط اقتصادی، مانند: بیکاری، تورم و فقر موجب افزایش نرخ ارتکاب جرم می‌شود، چون این عوامل تفاوت میان جرم و کار قانونی را افزایش می‌دهد. اریلیچ^۲ آثار بیکاری، در نرخ جرم و جنایت را در نظر می‌گیرد. او بیان می‌کند که نرخ بیکاری را می‌توان به عنوان یک مکمل شاخص فرصت‌های درآمدی موجود در بازار کار قانونی در نظر گرفت. بنابراین، هنگامی که نرخ بیکاری افزایش می‌یابد، نفو افراد در برش فرصت‌های درآمدی قانونی کاهش پیدا می‌کند، به سوی انجام فعالیت‌های مجرمانه ترغیب می‌شوند. جوکوئیست^۳ با پیروی از مدل بکر و با تصریح تابع مطلوبیتی از نوع فون نیومن

1 - Becker gary

2 - Ehrlich, Isaac

3 - Sjoquist



مورگسترون^۱ برای افراد، تابع مطلوبیت انتظاری (برای جرم و جنایت) را با قید زمان حداکثر می‌کند و نتیجه می‌گیرد اثرهای فقر و نابرابری های اقتصادی، بیکاری و تورم رابطه مثبت و معنی داری با جرایم مالی نظیر سرقت دارد. تلی^۲ تأثیر سیاست های اقتصاد کلان بر روی جرم را بررسی کرد و نشان داد که سیاست های پولی و مالی بر روی جرم موثرند. او به بیان کرد که سیاست‌های مالی از طریق مقررات دولتی و سیاست های پولی از طریق تورم بر جرم تأثیر می‌گذارند (ابراهیمی و چاکرزه‌هی، ۱۳۹۴، ۱۱۴).

امام علی علیه السلام در خصوص ارتباط فقر با انحرافات اجتماعی بیان می‌کند که: فقر، مرگ بزرگ‌تر است. (نهج البلاغه، حکمت: ۱۶۳) فقر زمینه انواع انحرافات عقیدتی و اخلاقی را به ویژه، در وجود افراد کم ظرفیت فراهم می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۳۳۲). در سیاست جنائی اسلام تکیه ی تنها بر امور اخلاقی و عبادی بدون لحاظ معیشت نیست؛ فقدان معیشت موجب ظلم و بی عدالتی است که محرک جرایم خرد توده‌ی بقیه‌آبی‌ها خواهد بود.

امام علی علیه السلام فقر و تنگدستی را موجب تحریک به نافرمانی و طغیان می‌داند؛ خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹) بیکاری می‌تولند عامل عمده‌ای در پیدایش نابسامانی‌های رفتاری و روانی و در نتیجه بالا رفتن انواع کجروی‌های اجتماعی و بزهکاری باشد (محمودی و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۴۱).

فقدان مسکن، زندگی در زاغه‌ها، سوء تغذیه و بهداشت ناکافی که با فقر، ارتباط دارند، از عوامل اقتصادی مهم بزهکاری به شمار می‌آیند (شامیبانی، ۱۳۸۹، ۲۱۱). دولت نمی‌تواند خواستار کیفیت شهروندانی باشد برای رفع مشکلات اقتصادی خویش که ناشی از ضعف دولت بوده است، اعمال مجرمانه انجام داده‌اند. اصولاً جرم‌انگاری این رفتارها، دولت را ملزم به تأمین ابزارهای متناسب می‌نماید و در صورت عدم تأمین این ابزارها، نمی‌توان دولت را محق به مجازات کامل بزهکار دانست.

۲/۳. ضعف در اجرای عدالت اجتماعی توسط دولت

عدالت اجتماعی متفاوت از عدالت اقتصادی است؛ عدالت اجتماعی گرچه مصادیق و تعاریف مختلفی از سوی نویسندگان داشته است برخی معتقدند که: تساوی عادلانه از سوی دولت بین افراد

1 - Fon Neumann Mvrgnstrvn

2 - Teles, Vladimir

جامعه در آنچه نیاز زندگی است که عبارت از تمامی مسائل سیاسی، اقتصادی، قانونی، اخلاقی، تربیتی و غیر این‌ها. (ابوزهره، بی تا، ۸۱). برخی معتقدند: «جرایم به وسیله طبقات محروم و ضعیف جامعه ارتکاب می‌یابد.» (میرخلیلی، ۱۳۹۵، ۸).

امام علی علیه السلام به موضوع رفع فاصله‌ی طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی تأکید فراوان داشتند و فرمودند: به خدا قسم اگر بیایم این اموال را در حالی که با آن زنانی به ازدواج درآمده یا کنیزهایی تملک شده آن را بر می‌گردانم. همانا در عدالت، آسایشی است و کسی که عدالت بر او سخت آید، ستم و بی‌عدالتی بر او سخت‌تر است (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴). وظیفه‌ی دولت و حکومت‌هاست که ساختار اجتماعی ناعادلانه را اصلاح کنند و در جهت رفع تبعیض و فاصله‌ی طبقاتی، اقدام نمایند.

شهروندانی که بزه‌دیده جرایم یقه‌سفیدها واقع می‌شوند، بارها خشم خود را از اینکه اغفال شده‌اند و احساس سرخوردگی خود را از این مسئله ابراز می‌کنند که قادر نیستند پاسخ متقاعدکننده‌ای از بزهکاران یا هر مرجع دیگری دریافت کنند (مور و میلز، ۱۳۸۴، ص ۳۰). این موضوع سبب بروز رفتارهایی تلافی‌جویانه از توده‌ی مردم خواهد شد که عمدتاً قانونی نبوده و می‌تواند موجب اعمال کیفرهای شخصی و شدید برای آن‌ها باشد.

امام علی علیه السلام مالک اشتر را نسبت به طبقه پایینی که هیچ‌چاره ندارند توصیه نمود: خدا را خدا را! در طبقه پایین مردم، آنان که راه‌چاره ندانند و از درویشان و نیازمندان و بینوایان و از بیماری بر جای ماندگانند، که در این طبقه مستمندی است خواهند، و مستحق عطایی است به روی خود نیاورنده. و برای خدا حقی از خود را که به آنان اختصاص داده و نگهبانی آن را به عهده است نهاده پاس‌دار و بخشی از بیت‌المالت را به آنان واگذار. (نهج البلاغه: نامه ۵۳) رشد بزهکاری در سطح یک جامعه معلول اختلال در عدالت اقتصادی و اجتماعی است.

به فرماندار خود در شهر مکه می‌نویسد: در مال خدا که در نزد تو فراهم شده بنگر و آن را به عیال‌مندان و گرسنگانی که نزدیک هستند بده و آنان که مستمندند و سخت نیازمند و امانده را نزد ما بفرست، تا میان کسانی که نزد ما هستند قسمت کنیم (نهج البلاغه، نامه ۶۷). معمولاً امام علیه السلام هر روز بیت‌المال را بین مردم به شکل مساوی تقسیم می‌کرد. در تقسیم بیت‌المال دو اصل را مورد

عنایت قرار می‌داد: توجه به طبقات ضعیف و محروم؛ رعایت مساوات بین مردم (ری‌شهری، ۱۴۲۱، ۱۹۰). سیاست جنائی اسلام، عدالت، رفع تبعیض و به عبارت دیگر حمایت از اقشار محروم را ابزاری برای ممانعت از ناهنجاری می‌داند. جرایمی که در سطح وسیع رخ می‌دهد و مرتکبان آن در تعداد زیاد آماری قرار دارند را می‌توان با این سیاست حمایتی از جرگه‌ی مجرمان خارج نمود.

نظریه فشار ساختاری مرتون بیان می‌کند که انحراف از ساختار و فرهنگ جامعه سرچشمه می‌گیرد. ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه برای رفتار منحرف اجتماعی مردمی که در جایگاه‌های مختلفی قرار گرفته‌اند، ایجاد فشار می‌کند (صفوی، ۱۳۸۸، ۱۹۵). حاکمیت، متولی اصلی ساختاربندی اجتماعی است و یا در صورت شکل‌گیری این ساختارها، تکلیف به اصلاح و بازبینی در آن‌ها دارد. دولت و حکومت به جهت قصور و کوتاهی در ایجاد این ساختارها، نقش فعالی در شکل‌گیری اعمال مجرمانه‌ی توده‌ی یقه‌آبی‌ها خواهد داشت.

۲/۴. عدم تقویت آماج جرم در برابر بزهکاری توسط دولت

یکی از عوامل بروز بزهکاری توسط یقه‌آبی‌ها وجود آماج جرم در دسترس آنان است. سرقت، اعمال منافی عفت، جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص و دیگر جرایم این گروه اجتماعی، در صورتی که قربانی و بزه‌دیده‌ای وجود نداشته باشد یا مورد حمایت قرار گرفته و تقویت شده باشد، امکان ارتکاب برخی جرایم که دارای بزه‌دیده‌ی بدون حامی هستند کاهش می‌یابد. امام علی علیه السلام در خصوص برخورد حکومت با مردم در راستای تقویت فکری و اقتصادی و اجتماعی آنان می‌فرماید:

همانا آنان حاکمان ظالمه که پیش از شما بودند هلاک شدند، آنان حق مردم را ندادند و آنها را با رشوه خریدند و به راه باطل شان بردند و آنان نیز پیروی کردند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). گروه یقه‌آبی‌ها هم به عنوان قربانی و هم بزه‌دیده‌ی جرایم گسترده قرار می‌گیرند، لازمه‌ی جلوگیری از این وضعیت، انجام اقدامات کنشی توان‌افزا برای سیل‌های مجرمانه و اقدامات کنشی توان‌کاه نسبت به مجرمین است. مرجع اتخاذ این اقدامات حاکمیت است.

امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «و بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. در مجلس عمومی نشین و در آن مجلس برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سپاهیان و یاران را که نگهدارند یا تو را پاسبان، از آنان باز دار، تا سخنگویی آن مردم با تو گفتگو کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علیه السلام می‌فرماید: آنگاه تو را آگاه می‌کنم و توجه می‌دهم به طبقه فرودین اجتماع یعنی همان نیازمندان و مستمندانی که دهش و یاری رسانیدن بدانان حقی است بر گردن مسؤولان (نهج البلاغه، نامه: ۵۳). این همه توصیه به طبقه فرودست، به قطع می‌تواند گویای خطراتی باشد که این گروه در معرض آن قرار دارند که مهمترین آن بزهکاری از یک سو و بزه‌دیدگی به اشکال مختلف از سوی دیگر است. در اصول سیاست جنائی اسلام، اصول پیشگیرانه‌ی وضعی از نوع پیشگیری موقعیت مدار و مبتنی بر نظریات هزینه - فایده کاملاً گویا و مشخص است. به نظر می‌رسد که یقه‌آبی‌ها مرتکب جرایم، خو قربانیان سیاست‌ها و برنامه‌های نسنجیده‌اند، پس چرا نباید از این قربانیان به مابه بزه‌دیدگان جرایم حمایت کرد، جرایمی که واضح آن‌ها دولت‌ها هستند ولی برای بی‌تدبیری خود را جرم‌انگاری نمی‌کنند.

۲/۵. عدم گسترش سیاست جنایی پیشگیرانه مبتنی بر مشارکت مدنی (جامعوی)

اهمیت مشارکت اجتماعی و مدنی در پیشگیری از جرایم یقه‌آبی‌ها و انحرافات رایج اجتماعی از نظر جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان مورد تأیید است؛ امام علی علیه السلام فرمود امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که بدترین شما حکمرانی بر شما را به دست می‌گیرد و آنگاه هرچه دعا کنید، از شما پذیرفته نمی‌شود (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

امام علی علیه السلام در خصوص جلب مشارکت اجتماعی و سازش حاکمیت با مردم بیان می‌کند: سازش با مردم نیمی از ایمان است و نرمش با آنها نیمی از زندگی است. نزدیک شدن به اخلاق مردم (همنوایی و پذیرش اخلاق آنها سبب ایمنی و آسودگی از مکر و حيله‌های آنان است (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱). مکر و حيله منجر به عمل انحرافی و مجرمانه می‌گردد و راه پیشگیری از آن همانا جلب مشارکت مدنی توده‌ی مردم در راستای اهداف حاکمیت است.

امام علی علیه السلام در فلسفه و چرایی فریضه امر معروف و نهی از منکر می‌فرماید: امر به معروف را برای اصلاح توده‌ها و عوام مردم و نهی از منکر را برای بازداشتن ناآگاهان و کم‌خردان از زشتی‌ها قرار داد (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲). آنها که با ارتکاب گناه، هم به خود ظلم می‌کنند و هم به جامعه سفیه و کم‌خرد هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۸۹). تکلیف حاکمیت به گسترش این فریضه در بین مردم و جامعه با ابزارهای مختلف می‌تواند مانعی بزرگ در جهت ارتکاب جرایم یقه‌آبی‌ها محسوب شود.

اصل فریضه امر به معروف با نظریه پنجره‌های شکسته در خصوص تأثیر بی‌نظمی و عدم نظارت بر تشدید وقوع جرم تا حد زیادی هماهنگی دارد (صالحی و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۰۲). از امام علی علیه السلام نقل شده است: «پایداری و استواری شریعت در گرو امر به معروف و نهی از منکر است» (اللیثی الواسطی، ۱۳۷۶، ۳۷۰)، این نظریه که وجود هر گونه ایراد در اجتماع را سبب جرایم بیشتر عمومی دانسته است، وظایفی برای حاکمیت‌ها و دولت‌ها قائل شده است از این جهت که باید هر گونه روزنه و زمینه‌ای برای ایجاد تفکرات مجرمانه را کنترل کرده یا از بین ببرد.

مبارزه با جرم را باید از مبارزه با عوامل و زمینه‌های آن آغاز کرد؛ سیاست جنایی اسلام عمده برنامه و توان خود را در از میان بردن زمینه‌ها و عوامل بروز جرم، متمرکز کرده است (محمدی جورکویه، ۱۳۸۹، ۹۸). القای این نگرش‌ها و اجرای این گونه مسئولیت‌ها همگی از وظایف دولت و نظام حکومتی است، عدم ایفای این وظیفه می‌تواند نقش مهمی در بروز جرایم یقه‌آبی‌ها و گسترش رفتارهای بزهکارانه داشته باشد. جامعه‌ی عاری از جرم گسترده را تنها می‌توان در شرایط تعاملی حاکمیت و شهروندان میسر دانست. گسترش نهادهای مدنی و تعیین وظایف و ساختارهای مرتبط با مشارکت مدنی از جمله مهمترین دولت‌ها در راستای پیشگیری از جرم یقه‌آبی‌هاست.

۲/۶. استضعاف فکری، سیاسی و علمی توده‌ی مردم و بی‌اعتمادی به حکومت

مشروعیت داشتن حاکمیت وابسته به نوع و شیوه‌ی حکومت از یک‌سو و ایدئولوژی حاکم بر آن است. زمانی که حکومت با اعمال غیرقانونی و غیرانسانی تلاش در جهت جلب مشارکت اجتماعی می‌نماید و خود را بر توده‌ی مردم تحمیل می‌کند و رضایت باطنی شهروندان را لحاظ نمی‌کند، نمی‌توان انتظار داشت که یقه‌آبی‌ها یا توده‌ی مردم، در راستای اعمال متخلفانه ضد حکومتی و حتی ضد اجتماعی اقدام نکنند، این شیوه‌ی حاکمیت در راستای استضعاف شهروندان قلمداد شده است. یکی از اقسام استضعاف، استضعاف سیاسی نام دارد که عبارت است از حکمرانی با زور و قدرت نامشروع بر مجموعه‌ای که شهروندان بر چنین حکومتی رضایت ندارند؛ از سویی قدرت مقابله و براندازی حکومت جور را ندارند و از سوی دیگر، حکومت نیز آنان را با اتکا به قدرت و زور مرعوب ساخته، در حالت استضعاف نگه داشته است. مستضعفان سیاسی کسانی‌اند که مستکبران آنها را از حق خودشان بی‌بهره می‌کنند. یکی از ویژگی‌های حکومت علوی حمایت از قشر مستضعف و آسیب پذیر جامعه است (میر خلیلی، ۱۳۹۵، ۳۱).



وظیفه‌ی حاکمیت، آگاهی بخشی و ایجاد امکانات آموزشی و تحصیلی برای عموم شهروندان است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: حق شما بر عهده من، تعلیم شماست تا جاهل ننمایید و نیز تأدیب و تربیت شماست تا اینکه در شمار عالمان و وارستگان قرار گیرید (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ۷۹). کسی که بدون آموزش فقه اسلامی تجارت کند، به رباخواری آلوده شود. (همان، حکمت ۴۴۷) در مسئولیت کیفری علاوه بر علم به حکم، علم به موضوع نیز شرط است، چنانچه مرتکب جرایم جنسی، ادعای اشتباه در موضوع کند و قاضی احتمال صدق او را در این ادعا بدهد، مجازات اعمال نمی‌شود (نجفی، ۱۳۶۷، ۴۱: ۲۶۴)؛ دولت نمی‌تواند انتظار داشته باشد که بدون انجام وظایف آموزشی و تربیتی، شهروندانی قانون‌مدار داشته باشد و با موج عظیمی از جرایم روبرو نشود و در مواقع مواجه شدن با بی‌نظمی با اقدامات سرکوبگرانه، تمام مسئولیت ارتکاب جرم را بر دوش شهروندان نهاده و مسئولیتی را متوجه قصور خود نداند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: خدا از مردم نادان عهد نگرفت بیاموزند، مگر وقتی که از دلایان عهد گرفت آموزش دهند (نهج البلاغه، حکمت: ۴۷۸). نقش صاحبان قدرت در آموزش، تدوین اصول و چارچوب‌های کیفری، جرم‌انگاری، برچسب‌زنی و مسائل مرتبط با آن، به گونه‌ای است که می‌تواند موجب ازدیاد بزهکاری و گسترش انحرافات باشد و حال اینکه هدف از این اعمال، عموماً ایجاد مانع برای محرومیت شهروندان و ایجاد نظم اجتماعی است. زمانی که حاکمیت نسبت به افرادی که یک عرف اجتماعی یا مذهبی و یا حتی قانون رسمی را رعایت نمی‌کنند برچسب مجرمیت استفاده می‌کند می‌توان گفت که عده‌ی زیادی را در معرض بزهکاری ثانویه قرار داده و این گروه می‌توانند حجم بیشتری از اعمال مجرمانه را در سطح وسیع صورت دهند.

برخی معتقدند که دولت‌ها علاوه بر اینکه در انجام بسیاری از وظایف خود کوتاهی می‌کنند، بلکه گاهی با برچسب‌های ناروا، غیرضروری، نامتناسب و بی‌مبنا بر افراد، موجب افزایش تنش و ناامنی در جامعه می‌شوند. این در حالی است که مسئولیت این قبیل از مشکلات باید بر دوش دولت‌ها باشد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۱۵). یقه‌آبی‌ها در معرض این نقض‌های گسترده‌ی حقوق بشری قرار می‌گیرند و در واکنش به این بی‌عدالتی و سرکوب کیفری، اعمال مجرمانه‌ای در قالب اغتشاش، فساد اداری، نادیده گرفتن هنجارهای دولتی و ... را مرتکب می‌شوند.



بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به حکومت و ارتکاب جرایم به صورت فراگیر از مهمترین نتایج استضعاف توده‌ی مردم است، امام علی علیه السلام در این خصوص بیان داشته است که: هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، افشاگری نموده، عذر خویش را آشکارا در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پژوهش خواهی تو، آنان را به حق و می‌دارد (نوری طبرسی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۱۷).

امام علی علیه السلام حق مردم بر حاکمیت را اینگونه بیان می‌کند: حق شما بر من آن است که همواره در رهنمودهای خالصانه نسبت به شما بکوشم. و در تأمین رفاه در زندگی همگانی، تمامی وسایل ممکن را فراهم سازم. و در تربیت و تعلیم همگان در سطح گسترده کوتاه نیایم. و در نظارت بر رفتار و کردار شما - بر نهج حق - پیوسته هوشیار و هشداردهنده باشم (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). عدم احقاق این حقوق منجر به بی‌اعتمادی و استضعاف مردم خواهد شد.

بی‌اعتمادی به حاکمیت البته می‌تواند دلایل مختلف دیگری غیر از استضعاف و عدم مشروعیت حاکمیت داشته باشد؛ برخی از این عوامل عبارتند از:

رفاه‌طلبی: در سطح مسئولان نظام، رفاه‌طلبی آفتی است برای اعتماد میان مردم و حاکمیت؛ از دیدگاه امام علی علیه السلام رهبران جامعه اسلامی حتی از مال حلال نباید ثروت‌اندوزند. حکمت این مسأله هم آشکار است. اگر ثروت نزد هیأت حاکم جمع شود، تنگدستان به ستوه و طغیان خواهند آمد (نهج البلاغه خطبه ۱۵۸). به ستوه آمدن فقرا مساوی با ارتکاب اعمالی است مجرمانه و ضد حکومتی و با الصاق برچسب مجرمیت، موج بزرگ مجرمان و افراد ضد اجتماعی و مخل نظم و امنیت ایجاد می‌شود که جایگاهی در نظام دولتی و حتی اداری این حاکمیت نخواهند داشت.

عدم تبعیت حاکمان از قانون: امام علی علیه السلام در رابطه با انجام صحیح امر به معروف و نهی از منکر و همچنین رعایت محرمات و واجبات توسط آمر به معروف و ناهی از منکر، می‌فرماید مردم را از حرام و منکرات باز دارید و خود هم مرتکب نشوید، زیرا دستور داده شده که ابتدا خود، محرمات را ترک و سپس مردم را بازدارید (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵). به خدا سوگند شما را از هر چیز نهی نکردم، مگر خودم آن را ترک گفتم. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)

جرم‌انگاری با دامنه‌ی وسیع: جرم‌انگاری خارج از حدود و معیارهای حقوقی و علمی نباید صورت گیرد. این شیوه‌ی جرم‌انگاری سبب می‌شود بخش عظیمی از رفتارهای تحت عنوان جرم تلقی شود و گستره‌ی جرایم به شدت توسعه یابد. این مسئله پیامد دیگری نیز دارد که همانا بی‌توجهی افراد جامعه به قانون را در برمی‌گیرد (میرخلیلی و دیگران، ۱۴۰۱، ۲۶۰). برخی عناوین مانند اخلال در نظام اقتصادی، فساد در سطح گسترده، محل نظم عمومی و... که می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد را می‌توان به اشکال مختلف نافی اعتماد بین مردم و حاکمیت بوده و در نتیجه عده‌ی زیادی را در زمره‌ی مجرمین جای خواهد داد.

۲/۷. نبود امنیت و نظارت

از مهمترین مولفه‌های پیشگیری از جرم، وجود ابزارهای نظارتی و ایجاد امنیت در ابعاد مختلف روانی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و... است. در نبود امنیت و نظارت کافی بر تحقق و بقای آن است که افراد اجتماع اقدام به ارتکاب جرم می‌نمایند. گروهی که دارای شخصیت خطرناک و مجرمانه هستند، از وضعیت ناامنی و ضعف نظارتی، سوء استفاده می‌کنند و گروه دیگر به جهت تامین نیازهای خود، خویشتن را ناگزیر از ارتکاب اعمال مجرمانه می‌دانند.

امام علی علیه السلام در پاسخ به خوارج توضیح می‌دهند: مردم را حاکمی باید نیکوکردار یا تبه‌کار، تا در حکومت او مرد با ایمان کار خویش کند، و کافر بهره خود برد، تا آنگاه که وعده حق سر رسد و حدت هر دو، در رسد. در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آورند، و با دشمنان پیکار کنند، و راه‌ها را ایمن سازند، و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند، تا نیکوکار روز به آسودگی به شب رساند، و از گزند تبه‌کار در امان ماند (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).

امام علی علیه السلام در خصوص حمایت از صنعتگران و صاحبان مشاغل بیان می‌کند: به بهترین شیوه درباره آنان سفارش کن،... کار آنان را واری کن ... (نهج البلاغه نامه ۵۳) نظارت بر صاحبان ثروت و صاحبان مناصب و موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی را به این دلیل ضروری می‌داند که این گروه را متمایل به اعمال مجرمانه‌ی ضد اجتماعی می‌داند و بیان می‌دارد: با آن همه (سفارش) بدان که در بسیاری از آنان تنگ نظری بیش از اندازه‌ای هست و بخلی زشت و گرایش به احتکار برای به دست آوردن سودها و خواستار فرمانروایی کردن و به دست گرفتن مراکز خرید و



فروش و چنان ویژگی‌هایی، موجب باز شدن باب زیان رساندن به توده مردمان و ننگی است بر دامان سرپرستان (نهج البلاغه، نامه، ۵۳).

مال اندوزی و حب مال و دنیا از خصوصیات ذاتی بشر است امام علی علیه السلام زمانی که خلافت مسلمین را برعهده داشت در مورد اموال و دارایی خود فرمودند: من با لباسی که بر تن دارم و مرکبی که بر آن سوار هستم نزد شما آمده‌ام، پس بدانید که اگر در زمان خروج از شهر شما، بیش از این اموال داشته باشم خائن هستم (صالحی و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۰۰). به نظر می‌رسد که برای نظارت بر حاکمیت و نهادهای حاکمیتی و به تبع آن نظارت بر مسئولان که از جمله اصول مهم در قانون اساسی و سیاست داخلی ایران است، نیاز به ابزارهای مختلف و کارآمد وجود دارد، این ابزارها در واقع به جهت جلوگیری از جرایم یقه‌سفیدانی است که در دستگاه حاکمیتی قرار دارند و یا با اتصال به امکانات دولتی و حکومتی، توانایی اعمال مختلفی در این حوزه را دارا هستند.

۲/۸. مجرمیت دولتمردان

صاحبان مناصب دولتی و مالکان قدرت عمومی (حاکمان و دولتمردان) از جمله افرادی هستند که الگوی شهروندان عادی و یقه‌آبی‌ها در بسیاری رفتارهای خود می‌باشند. چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: مردم به زمامداران خود شبیه‌ترند تا به پدران خود (سبحانی، ۱۳۹۳، ۹۱). توصیه امام به پیشوایان این است: خدا بر پیشوایان دادگر، واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر (هم شکل) نهند تا مستمندی تنگدست را به هیجان نیاورند و به طغیان وا ندارند (نهج البلاغه، خطبه، ۲۰۹). زمانی که ارتکاب برخی جرایم به شکل معمول در بین دولتمردان رخ می‌دهد، نمی‌توان شهروندان را به الگوی دیگری رهنمون داشت. لزوم برخورد شدید با متخلفان حکومتی در سیره‌ی امام علی علیه السلام و گفتار ایشان نیز از همین باب است.

برخی از جرایمی که مأموران دولتی و حکومتی انجام می‌دهند مانند ارتشاء، اختلاس، سوءاستفاده از عنوان و منصب، توقیف غیرقانونی دیگران و سلب آزادی، اخاذی و... علاوه بر این که نفس این اعمال مجرمانه و بزه‌کارانه است. آثار و تبعات سوءاجتماعی و روانی در جامعه دارد و به نحوی اعمال بزه‌کارانه را در سطح جامعه توسعه و ترویج می‌نماید (سبحانی، ۱۳۹۳، ۱۰۴). یقه‌آبی‌ها



در معرض امواج ناشی از اعمال مجرمانه‌ای هستند که صاحب منصبان انجام می‌دهند و لاجرم تحت تاثیر این امواج قرار گرفته و به همان مسیر گرایش خواهند داشت.

پیامد مهم جرایم کارگزاران دولتی، تبدیل رفتار انحرافی به رفتاری بهنجار، بی‌اعتمادی به حاکمیت، افزایش فساد اداری، سست شدن ارزش‌های اجتماعی در جامعه بخصوص اعتقادات دینی در میان مردم است (میرخلیلی و خدادوست، ۱۳۹۶، ۱۳۲). تمامی این پیامدها شکل‌دهنده‌ی رفتار شهروندان و یقه‌آبی‌ها می‌باشد، و تمامی انواع جرایم ارتكابی توسط شهروندان عادی می‌تواند تحت تاثیر رفتار یقه‌سفیدها باشند هرچند که این رابطه را نمی‌توان به شکل مستقیم و به صورت کمی نشان داد.

۲/۹. گسترش شهرنشینی، طراحی محیط شهری نامناسب و تضعیف خرده‌فرهنگ‌ها

رشد شهرها، گسترش شهرنشینی، از بین رفتن فرهنگ‌های روستایی، طراحی نامناسب و شتابزده‌ی شهرها و هر آنچه که امروز با عنوان تضعیف ارزش‌های خرده‌فرهنگ‌ها و یا مدرنیته معروف است، موجب شده است که برخی عوامل پیشگیری از جرم کاهش یابد و عوامل جرم‌زا رو به فزونی نهد. سیاست جمعیتی و محیطی که توسط دولت‌ها اتخاذ می‌شود، می‌تواند منتجر به بزهکاری و گسترش آن در میان توده‌ها شود.

بحران مسکن و کاشانه که عمدتاً ناشی از مهاجرت بی‌رویه و افزایش جمعیت است، بیشتر دامنگیر اقشار ضعیفتر در جامعه است. عادات مصرفی ساکنین شهرها محرکی قوی برای کسب مال از طریق نامشروع از قبیل سرقت، کلاهبرداری، اختلاس و... قرار می‌گیرد (محمودی و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۳۳). بیشترین ورودی کانون‌های اصلاح و تربیت را ساکنین شهرهای بزرگ تشکیل می‌دهند و بیشترین بزهکاران در مناطق حاشیه نشین و پر جمعیت سکونت داشته است (ماروانی، ۱۳۸۴، ۵۱).

از نظر اسلام مجموعه‌ای از افراد جامعه، فیزیک جامعه، توزیع درست امکانات بین تمام شهرها، در اعمال سیاست جنایی متناسب در نظر گرفته شده است؛ سیاست جنایی در زبان قرآن و مؤمنان صدر اسلام با کلمه «الامر» تعبیر می‌شده است: «و در کارها با آنان مشورت کن»^۱؛ و

۱. «و شاورهم فی الامر»



«کارشان در میانشان مشورت است»^۱. باید توجه داشت که زعامت و رهبری رسول خدا اگر منحصر در زعامت دینی باشد، دعوت به مشورت و نظرسنجی در زعامت دینی و ابلاغ وحی و رسالت الهی بی‌معنا و غیر قابل قبول است (سامانی، ۱۳۸۷، ۸۸-۹۰). کلمه (امر) در این دو آیه، نگرش جامع و منسجم در سیاست جنایی و اداره جامعه را بیان می‌کند. بنابراین در طراحی شهرها باید به مجموعه عوامل نگاه کرد مانند طراحی شهر، پارک‌ها، رنگ‌ها. یکی از مشکلات امروزه جوامع اسلامی عدم مجموعه نگری است.

بی‌توجهی به طراحی شهری و تلفیق فرهنگ‌های مختلف در عرصه‌ی اجتماع منشا بسیاری از رفتارهای مجرمانه و عوامل جرم‌زا است. این موارد ناشی از اعمال دولتی و تاثیر بر رفتار شهروندان باشد.

نتیجه‌گیری

شرایطی که دولت‌ها و حاکمیت به طور کلی در اجتماع ایجاد می‌کند، خود عاملی جرم‌زا است؛ دولت به جهت ویژگی خاص خود که هم شخص حقوقی و هم عمومی محسوب می‌شود، فاقد مسئولیت کیفری شناخته می‌شود چرا که قائل شدن مسئولیت کیفری برای این نهاد، متعارض با حقوق شهروندان است. عمده‌ی تاثیر دولت بر ارتکاب جرایم را می‌توان در خصوص توده‌ی مردم یا یقه‌آبی‌ها دانست. این گروه بدان جهت که از امکانات مالی و اجتماعی کافی برخوردار نیستند، معمولاً بیشتر تحت تاثیر اوضاع و احوال ایجاد شده قرار می‌گیرند و مرتکب برخی رفتارهایی می‌شوند که در حیطه‌ی حمایت حقوق کیفری قرار گرفته است.

دولت‌ها با انتسابات نابجا و همچنین با گزینش صاحب منصبان غیرشایسته موجب ایجاد نارضایتی در بین مردم و پدید آمدن شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی می‌شوند و همین موضوع سبب می‌شود که برخی از گروه‌های اجتماعی و حتی بسیاری از افراد به صورت فردی، در مقابل حاکمیت، به اقدامات ممنوعه مانند اغتشاش و اعتراضات غیرقانونی بپردازند. عوامل اقتصادی به عنوان مهمترین محرکه‌ی جرایم مالی، حاصل عملکرد دولت‌هاست که به جرایمی مانند سرقت، تکدی‌گری و سایر جرایم ناشی از بیکاری، فقر و تورم می‌انجامد. ضعف در توزیع عادلانه‌ی ثروت،

۱ - «وَأْمُرُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ»



عدالت اجتماعی نامطلوب، استضعاف علمی، فرهنگی و اجتماعی شهروندان توسط دولت، گسترش شهرنشینی و تضعیف خرده‌فرهنگ‌های اصیل، عدم بکارگیری شیوه‌های پیشگیری مشارکتی و جامعه‌ی، عدم تقویت آماج جرم و در نهایت بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به حاکمیت که به دلایل مختلف ایجاد می‌شود از جمله‌ی مهمترین عواملی است که دولت را در وقوع جرایم یقه‌آبی‌ها سهیم می‌سازد.

مجازات توده‌ی مردم و یقه‌آبی‌ها به دلیل جرایم ارتكابی بدان دلیل می‌تواند غیر عادلانه باشد که اولاً: دولت‌ها در مجازات و کیفر سایر افراد جامعه غیر از یقه‌آبی‌ها، موسوم به یقه‌سفیدها با تجاهر و کاهلی عمل می‌کنند که به دلیل دشواری در کشف این جرایم و صعوبت در اثبات جرم ایشان است. ثانیاً: یقه‌آبی‌ها خود به عنوان بزه‌دیدگان جرایمی محسوب می‌شوند که عامل اصلی و مسبب اولیه‌ی آن دولت‌ها هستند، حتی اگر توده‌ی مردم خود مرتکب جرمی شوند، باز هم به نظر می‌رسد که زیان‌دیده بودن یقه‌آبی‌ها به صورت مضاعف قابل تصور است چرا که مجازات نیز در انتظار آنان است. ثالثاً: دولت بدون داشتن هیچ سهمی از جرایم ارتكابی توده‌ی مردم، تنها به اعمال قانون و کیفر بسنده می‌کند، بدون جبران زیان وارده به بزه‌کاران و بزه‌دیدگان که از اعمال ارتكابی این نهاد، زیان‌های فراوان دیده‌اند. این عوامل موجب می‌شود که عدالت به مفهوم اصلی آن قربانی عدالت به معنای اصل قانون‌مندی باشد.

پیشنهاد می‌گردد: ۱. دستگاه قضائی با پیش‌بینی سازوکاری، میزان و نقش دولت را در وقوع برخی جرایم بخصوص جرایمی که به صورت عمده و توده‌ای ارتكاب می‌یابد تعیین نماید و در کیفرگزینی و مجازات مرتکبان و مباشران اصلی، به همان میزان تخفیف و معافیت قائل شود. ۲. تکالیف دولت و حاکمیت در پیشگیری از جرم، صرفاً محدود به اعمال ایجابی نباشد، برخی از سیاست‌های کلی و قوانین در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و نیز تصمیمات لحظه‌ای در صورتی که اتخاذ نشود، خود پیشگیرانه است. ۳. اگر نگوئیم در جرایم یقه‌آبی‌ها دولت مسئولیت کیفری دارد، ولی به نظر مسئولیت مدنی و جبران زیان‌های وارده به تمامی زیان‌دیدگان را می‌توان به صورت جزئی یا کلی از دولت‌ها مطالبه نمود.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای
- نهج البلاغه، ۱۳۹۵ ق، ابوالحسن محمدشریف رضی، نهج البلاغه؛ گردآوری، تحقیق: صبحی صالح؛ قم: مرکز البحوث الإسلامیه.
۱. آشوری، داریوش، ۱۳۸۹ش، *دانشنامه‌ی سیاسی*، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات مروارید.
 ۲. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، *المفردات فی غریب القرآن*؛ چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه.
 ۳. ری شهری محمد، ۱۴۲۱ق، *موسوعة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام فی الكتاب والسنة والتاریخ*، بمساعدة محمد کاظم الطباطبایی و محمود الطباطبایی، ج ۴، الطبعة الاولى، قم: دارالحديث.
 ۴. سامانی، سید محمود، ۱۳۸۷ش، *مشورت و مشاوران در سیره پیشوایان*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۵. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۲۱ق، *الدر المنثور*، بیروت: دار المعرفه.
 ۶. شامیبانی، هوشنگ، ۱۳۸۹ش، *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات پیام.
 ۷. صفوی، امان الله، ۱۳۸۸ش، *تنوریهای انحراف و رشد آموزش علوم اجتماعی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات آموزش و پرورش تهران.
 ۸. طاهری نسب، یزادالله، ۱۳۸۹ش، *رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان*، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
 ۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*؛ بیروت: انتشارات مؤسسه الوفا.
 ۱۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۳ش، *تفسیر نمونه*، جلد ۲۷، چاپ سی و شش، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
 ۱۲. میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۸۵ش، «دیباچه» *در جنایات علیه بشریت در حقوق بین الملل کیفری*، تألیف غلام حیدر علامه، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 ۱۳. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷ش، *جواهر الکلام*، قم: دار الکتب الاسلامیه.



۱۴. نوری طبرسی، میرزاحسین، ۱۴۰۹ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ بیروت: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث العربی.

پایان نامه و مقالات

۱۵. ابراهیمی، مهرزاد و عبدالوهاب چاکرزهی، «ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران» *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۳۹۴ش، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۲۷.
۱۶. اسماعیلی، آیت الله و میثم کریمی، «شایسته سالاری در انتصاب مدیران و فرماندهان و تأثیر آن بر کاهش جرم» *مجله پژوهش ملل*، ۱۳۹۸ش، شماره ۴۹، صص ۸۱-۹۴.
۱۷. امینی، منصور و رشید عنایت تبار «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله‌گر در حقوق انگلستان» *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۳۹۷ش، ۹ (۱)، صص ۱-۲۳.
۱۸. سبحانی، روح الله، ۱۳۹۳ش، *پیشگیری از جرم در نهج البلاغه*، پایان نامه دانشگاه پیام نور، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده علوم انسانی، استاد راهنما و مشاور محمدرضا الهی منش جواد موسوی زاده.
۱۹. صادقی، سالار؛ رضا فانی و حسن موثقی، ۱۳۹۹ش، «واکای مبنای جرم شناختی مسئولیت کیفری دولت» *پژوهشنامه حقوق کیفری*، شماره ۱۱، دوره ۲، صص ۱۰۵-۱۲۹.
۲۰. صالحی، علی؛ سید محمود میر خلیلی و سید درید موسوی مجاب، نگاه واقع‌گرایانه به فلسفه کیفر در حقوق اسلامی و جایگاه پیشگیری در آن، *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، ۱۳۹۷ش، دوره ۱۱، شماره ۲۲، صص ۱۸۱-۲۱۰.
۲۱. فدایی، حسن؛ سید محمود میر خلیلی و شهرداد دارابی «تطور هستی‌شناسی رفتار مجرمانه و جایگزینی آسیب اجتماعی با مفهوم جرم در زیبولوژی (آسیب اجتماعی شناسی)» *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۳۹۹ش، دوره ۱۳، شماره ۵۰، صص ۲۳۱-۲۵۱.
۲۲. گل خندان، سمیرا؛ محمد علی حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۹ش، «بررسی جرم‌شناختی عوامل داخلی مؤثر بر ارتکاب جرایم علیه بشریت» *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۲۰۵-۲۲۶.

۲۳. ماروانی، سیروه، ۱۳۸۴ش، *سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، آزاد تهران مرکز.
۲۴. محمدی جورکویه، علی، «سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی» *حقوق اسلامی*، ۱۳۸۹ش، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۸۷-۱۲۱.
۲۵. محمودی، یوسف؛ عباس خلفیان و مهدی پایاب «عوامل موثر در افزایش جرم و بزهکاری از دیدگاه اسلام» *پژوهش‌های حقوقی قانون یار*، ۱۳۹۷ش، دوره اول، شماره ۲، صص ۴۲۵-۴۴۶.
۲۶. مور، الیزابت و میخائیل میلز، «بزه‌دیدگان نادیده انگاشته شده و هزینه‌های برآورد نشده جرم یقه‌سفیدها» ترجمه امیر سماواتی پیروز، *مجله اصلاح و تربیت*، ۱۳۸۴ش، ش ۴۸.
۲۷. میرخلیلی، سید محمود و بهنام خدادوست، «تغییر از مجرمین یقه‌سفید به مجرمین یقه قرمز» *نشریه جستارهای حقوق عمومی*، ۱۳۹۶ش، شماره ۳، صص ۱۲۹-۱۵۶.
۲۸. میرخلیلی، سید محمود. «بزهکاری یقه‌سفیدها از منظر امام علی علیه السلام» *مجله حقوق اسلامی*، ۱۳۹۵ش، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۷-۴۰.
۲۹. میرخلیلی، سید محمود و علیرضا نیکمنش و شهرداد دارابی، «عناوین مجرمانه فراگیر و چالش‌های حقوقی و جرم‌شناختی آن در سیاست کیفری ایران» *مطالعات حقوقی معاصر*، ۱۴۰۱ش، سال سیزدهم، شماره ۲۶، صص ۲۳۷-۲۶۸.
30. Haveman, R. H., & Smeulers, A. L. (2008). Criminology in a state of denial: towards a criminology of international crimes: supranational criminology. In A. L. Smeulers, & R. H. Haveman (Eds.), *Supranational Criminology - towards a criminology of international crimes* (pp. 3-26). (Supranational Criminal Law : Capita Selecta; No. 6). Intersentia.